

بسم الله الرحمن الرحيم



پژوهشکده مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت

تحلیل محتوای مفهومی، تفسیری، به همراه دلالت های سیاستی، راهبردی پیام مقام معظم رهبری
در خصوص تشییع و تدفین امام شهید

پژوهشکده مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت

قرارگاه جنگ ترکیبی بلاغ مبین

تیر ۱۴۰۵

مقدمه:

پیام ۱۸ تیر ۱۴۰۵ آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، پس از تشییع و تدفین امام شهید حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای بیانگر لحظه‌ای تعیین‌کننده در گفتمان سیاسی و مذهبی ایران است. رهبر معظم انقلاب در این فرصت، ضمن ترسیم ابعاد شخصیتی و جایگاه امام شهید، به تبیین ابعاد جنایت و ضرورت خونخواهی پرداخته و چارچوبی راهبردی برای تحولات آینده ترسیم کرده است. این پیام، صرفاً یک پیام تسلیت یا تجلیل از یک شخصیت نیست؛ بلکه در واقع منشور مرحله پساشهادت و نقشه راه استمرار انقلاب در شرایط جدید است. متن، همزمان در چهار سطح حرکت می‌کند:

- الهیات مقاومت
- جامعه‌شناسی انقلاب
- راهبرد امنیت ملی
- آینده‌نگاری تمدنی

این پیام را باید نقطه‌عطفی در گفتمان رهبر معظم انقلاب تلقی کرد که دلالت‌های عمیقی برای نهادهای کلیدی از جمله حوزه‌های علمیه دارد باید توجه داشت این پیام، پیام آینده‌محور است نه گذشته‌نگر، در سراسر متن، رهبر انقلاب کمتر درباره گذشته سخن می‌گویند. تقریباً همه پیام ناظر به آینده است. حتی شهادت نیز به عنوان آغاز مأموریت جدید تعریف می‌شود. این یعنی: شهادت پایان پروژه نیست؛ آغاز مرحله‌ای تازه از آن است.

تحلیل محتوای مفهومی این پیام تمدنی و مهم، افزون بر روشن‌سازی رویکردها و اولویت‌های راهبردی رهبری در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و فرهنگی، می‌تواند نقش‌آفرینی حوزه‌های علمیه را در این مسیر ترسیم نماید. بررسی مؤلفه‌هایی چون «ضرورت خونخواهی»، «ترسیم چهره شهید به مثابه الگوی مقاومت» و «مواجهه با نظم سلطه»، راهبردهای عملیاتی حوزه‌های علمیه را در عرصه‌های تبلیغ، جهاد تبیین و تولید گفتمان مقاومت معین می‌کند.

این تحلیل با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل محتوای کیفی و با تأکید بر دلالت‌های سیاستی و راهبردی، در صدد استخراج لایه‌های پنهان و آشکار پیام برآید. در این مسیر، پیام رهبری در سه سطح «محتوا»، «مخاطب» و «بستر صدور» واکاوی شده و با شناسایی مفاهیم کلیدی، به استنتاج برنامه‌های راهبردی حوزه‌های علمیه در افق پیش‌رو خواهد پرداخت.

بخش اول: پیوند شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام با امام شهید و بعثت مردم

«سلام بر امامی که ندای حیات بخش قیامش، پژواکی عظیم و پرطنین از بعثت نبوی را تا اعماق دوردست تاریخ امتداد بخشید و از اثر آن انقلاب اسلامی ایران پدید آمد. انقلابی که از اساس حسینی بود و با شعار و مرام حسین ساخته شد و بالید. آقای شهید ایران هم با همین مرام رشد کرد. او حسینی بود، حسینی اندیشید، حسینی حرکت کرد، حسینی جهاد و مقاومت نمود، حسینی زیست، و حسینی خون خود را در راه مکتب حسین تقدیم کرد و به شهادت رسید. در زمره‌ی حسینیان، کسانی هستند که وقتی در راه حسین و برای مکتب و مرام حسین علیه‌السلام، خونشان مظلومانه بر زمین میریزد، امت اسلام به حرکت در می‌آید و آن زمان، به عاشورا و آن مکان، به کربلا متصل میشود. حال هم همان شور حسینی، ملت ما را بعثت بخشیده و مکتب خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید را جلوه‌ای تازه داده است. این است آن غوغای حیات بخشی که انعکاس ندای مظلومیت حسین علیه‌السلام و ندای هل من ناصر ینصرنی او در ایران و پس از آن در عراق و سایر کشورها بپا می‌کند و زلزله در باطل می‌اندازد. و جا دارد به همین مناسبت از حضور ده‌ها میلیونی، اعجاب برانگیز، دشمن شکن و تاریخی مردم در شهرها و روستاهای ایران و عراق خصوصاً تهران، قم، نجف، کربلا، و مشهد صمیمانه قدردانی کنم. ملت ما خونخواه حسین است. این ملت بزرگ سالها فرزندان خود را در راه حسین و در جنگ با دشمنان حسین و مرام حسینی فدا کرد. و اینک هم خونخواه او و حسینیان زمان است.»

الف) محوریت «حماسه حسینی» به عنوان هویت جامع

واژه «حسین و حسینی و حسینیان» با مشتقاتش ۱۹ بار در این بخش تکرار شده است. این تکرار نشان می‌دهد که هویت انقلاب و امام شهید، نه در مفاهیم انتزاعی، بلکه در اسوه عینی و تاریخی عاشورا تعریف می‌شود. حوزه‌های علمیه باید این الگو را به مثابه هسته مرکزی گفتمان دینی-سیاسی خود بازتعریف کنند. رهبر انقلاب، انقلاب اسلامی را صرفاً الهام گرفته از عاشورای اباعبدالله ع معرفی نمی‌کنند، بلکه تصریح می‌کنند که انقلاب اسلامی از اساس حسینی است و رهبر شهید نیز تمام مراحل زندگی خود را با همین منطق طی کرده است؛ «حسینی اندیشید، حسینی حرکت کرد، حسینی جهاد نمود، حسینی زیست و حسینی به شهادت رسید».

ب) تقابل «حق و باطل» در قالبی حماسی

عباراتی چون «زلزله در باطل می‌اندازد» و «غوغای حیات بخش»، نبرد را نه یک منازعه سیاسی، بلکه جنگ هستی‌شناختی میان دو نظام ارزشی ترسیم می‌کند، مسیر و حرکت انقلاب اسلامی در واقع نبرد جبهه حق و حسینیان زمان با جبهه باطل و یزدیان زمان است. این زبان، حوزه‌های علمیه را به تبیین فلسفه سیاسی مقاومت بر پایه «ظلم‌ستیزی ذاتی تشیع» فرا می‌خواند.

ج) بعثت ملت؛ تکامل یک مفهوم کلیدی

در پیام‌های گذشته، رهبر انقلاب بارها از تعبیر «ملت بعثت یافته» استفاده کرده بودند. در این پیام، این مفهوم یک گام دیگر پیش می‌رود. به فرموده ایشان، عاشورای حسینی انعکاس و پژواک بعثت نبوی در اعماق تاریخ انسانی بوده

است که در اثر آن انقلاب اسلامی پدید آمده و در اثر همین پژواک نیز بعثت مردم حاصل شده است: «وقتی خون حسینیان زمان بر زمین ریخته می‌شود، عاشورا دوباره تکرار می‌شود و همان شور حسینی ملت را بعثت می‌بخشد.» این یعنی: شهادت پایان یک حرکت نیست؛ موتور تولید سرمایه اجتماعی انقلاب است. از منظر حکمرانی، قدرت جمهوری اسلامی فقط قدرت نظامی یا اقتصادی نیست؛ بلکه مهم‌ترین منبع قدرت آن سرمایه ایمانی و اجتماعی است که در لحظات شهادت دوباره فعال می‌شود.

در مجموع در این بخش سه لایه از معنا منطقی است:

لایه اول: بازتعریف «انقلاب اسلامی» به مثابه امتداد عاشورا

رهبر جدید، انقلاب را «از اساس حسینی» معرفی کرده و آن را نه یک رویداد سیاسی، بلکه استمرار نهضت نبوی و علوی می‌داند. این رویکرد، حوزه‌ها را ملزم به روایت‌شناسی تاریخی می‌کند که انقلاب را در زنجیره پیامبران و ائمه تعریف کرده و از تقلیل آن به یک پدیده جغرافیایی یا زمانی جلوگیری نماید.

لایه دوم: جهانی‌سازی پیام با تکیه بر «ندای هل من ناصر»

اشاره به گسترش موج بیداری از ایران به عراق و سایر کشورها، نشان از راهبرد فراملی مقاومت دارد. حوزه‌های علمیه باید ظرفیت زبان فقه و اخلاق را برای خطاب قرار دادن امت اسلامی (نه فقط مخاطب ایرانی) به کار گیرند؛ زبانی که از عاشورا، یک پیام جهانی برای «نصرت مظلوم» بسازد.

لایه سوم: بعثت عمومی ملت برخاسته از حماسه عاشورایی:

مشروعیت انقلاب اسلامی و نظام اسلامی و رهبری جدید نه در نهادها و ساختارهای رسمی، بلکه در «باور و حضور مردم مبعوث» تعریف می‌شود. حوزه‌ها باید این پیوند قلبی را با گفتمان‌سازی مردم پایه و مبتنی بر راهبرد ملت مبعوث تقویت کرده و از کارویژه‌های صرفاً نهادی یا حاکمیتی تا حد امکان پرهیز کنند.

بخش دوم: تسلیت، پیمان و عهد، انتقام

«اکنون به پیشوای شهیدمان عرض میکنم: ای قاتیل مظلوم! ای مظلوم سرافراز! ای بنده‌ی صالح خدا! حال که با چشمان اشکبار و دل‌های شکسته با پیکر شما وداع میکنیم، با شما عهد می‌بندیم که مکتب شما را پاس بداریم و آن طریق مستقیمی که شما ترسیم کردید را با استقامت بپیماییم و در این راه از سختیها نهراسیم، و همچون شما به پشارات و وعده‌های الهی دل ببندیم. عهد می‌بندیم که انتقام خون پاک شما و همه‌ی شهیدان این دو جنگ را از قاتلین جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم. این انتقام، خواست ملت ما است و به‌طور حتمی باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل‌شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد. آنها باید بدانند که این امر، متوقف بر وجود شخص من یا سایر مسئولان نیست. ما باشیم یا نباشیم، این مطلب محقق خواهد شد و بزودی آحادی از آزادگان در سراسر دنیا هر یک بخشی از این مأموریت الهی را انجام خواهند داد.

ای پدر شهید امت، نوشیدن شهد شهادت که عمری در آرزوی آن بودید، گوارایتان باد. پوشیدن خلعت شهادت با بدنی که نشان‌ها از مادران زهراى اطهر و جدّتان ابا عبدالله الحسین و ابا الفضل العباس علیهم الصلاه و السلام دارد، مبارکتان باشد. و شما ای همراهان مظلوم او که غافلگیرانه مورد هجوم دشمن قرار گرفتید و به شهادت رسیدید، خوشا به‌حالتان که اینک میهمان آن مولائی هستید که شاید بارها رأفت و لطفشان را درک کرده بودید. آن آقائی که باب رحمت الهی برای همه و بخصوص مردمان این سرزمین هستند، اینک میزبان شمايند و جوار امنشان خانه‌ی شما شده است.»

۱. لایه‌های عاطفی-هویتی

لایه اول: شهادت به‌مثابه «آرزوی دیرینه»

عبارت «نوشیدن شهد شهادت که عمری در آرزوی آن بودید»، شهادت را نه یک حادثه، بلکه نقطه اوج یک زندگی انتخاب‌شده برای امام شهید و مظلومان معرفی می‌کند. این رویکرد مارا به تبیین «فرهنگ شهادت‌طلبی» به‌جای «شهادت‌پذیری صرف» ترغیب می‌کند؛ یعنی شهادت به‌مثابه «غایت سلوک مؤمنانه» تبیین شود، نه «واکنشی به ظلم».

لایه دوم: پیوند «مظلومیت و بیداری امت»

«ای قاتیل مظلوم! ای مظلوم سرافراز! ای بنده‌ی صالح خدا! حال که با چشمان اشکبار و دل‌های شکسته با پیکر شما وداع میکنیم» کلیدواژه «مظلوم و مظلومانه» در این بخش نظریه‌ای راهبردی را مطرح می‌کند: شهادت، نقطه پایان نیست؛ بلکه جرقه‌ای برای بیداری جمعی است. در واقع شهادت در عین مظلومیت مقتدرانه، زمینه ساز زدودن غبار غفلت از اوهام و اذهان مردمی است که هنوز به حقیقت پی نبرده اند. این نظریه، وظیفه حوزه را در تولید گفتمانی قرار می‌دهد که شهادت در عین مظلومیت را نه یک تراژدی، بلکه «عامل پویایی و بیداری تمدن‌ساز» معرفی کند.

لایه سوم: پیوند نحوه شهادت امام شهید با شهادت اهل بیت (ع)

اشاره به «نشان‌ها از مادر تان زهرا و جدتان حسین و عموی تان عباس» بر بدن شهید، هویتی جسمانی-تقدسی به شهید می‌دهد. جسمی پاره پاره یا شباهت به حضرت زهرا و امام حسین و ابوالفضل علیهم السلام نشان دهنده نحوه شهادت و اتفاقاتی است که برای جسم مطهر امام شهید رخ داده است.

لایه سوم: میهمانی مولای متقیان برای امام شهید همراهان شهید

تعبیر «میهمان آن مولائی هستید که... اینک میزبان شمايند»، برای همراهان شهید که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند، جبران‌کننده غفلت‌ها است. توجه به سرانجام و غایت حرکت انقلابی و حماسی امام شهید و همراهان، زمینه انگیزه بخشی و زدودن غفلت‌ها از آحاد جامعه است.

نکته راهبردی ۱: تأکید بر نسب معنوی نه صرفاً نسب خونی؛ نشان دهنده این نکته است که مساله انتقام یک مقوله نسبی و خانوادگی نیست و به مساله هویتی و مکتبی رجوع می‌کند. و نیز این مساله مورد تأکید قرار می‌گیرد که هر مؤمنی می‌تواند با سلوک خود به این مقام برسد و مسائل نسب و خویشاوندی در این عرصه مطرح نیست.

نکته راهبردی ۲: تعبیر شهادت غافلگیرانه امام شهید و همراهان: نشان دهنده برخی پندارهای غلط است که ادعا می‌کنند امام شهید با علم به اینکه در آن روز بیت و حسینیه را بمباران می‌کنند در آنجا حضور داشته است. برخی جملات و تعبیر افراد زمینه ساز این گمانه است و حال آنکه بیان کیفیت شهادت به شکل غافلگیرانه نشان دهنده این است که انگاره نرفتن به پناهگاه در عین اطلاع از شهادت، حرف چندان محکمی نبوده است.

لایه دوم: مدیریتی و عملیاتی

الف) تغییر لحن از وداع به پیمان

بخش دوم با لحنی عاطفی و سوگوارانه آغاز می‌شود («چشمان اشکبار و دل‌های شکسته») اما در میانه، گسستی گفتمانی رخ می‌دهد و به گفتمان «عهد و پیمان» تبدیل می‌شود. این حرکت نشان می‌دهد که مرثیه‌سرایی، خود هدف نیست؛ بلکه مقدمه‌ای برای بسیج اراده جمعی است.

ب) کاربرد فعل «عهد می‌بندیم» به عنوان کنش گفتاری

تکرار سه‌باره «عهد می‌بندیم» (پاسداشت مکتب، استقامت در راه، انتقام خون) یک راهبرد مدیریتی است؛ یعنی همین گفتن، خود «تعهدساز» است. این ساختار، مردم مبعوث شده، ساختار حکمرانی و همه نهادها را به طراحی عملیات فرا می‌خواند که در آن، هر تعهد به برنامه‌های قابل پیگیری تبدیل شود.

ج) شخصی‌زدایی از انتقام

عبارت «متوقف بر وجود شخص من نیست... ما باشیم یا نباشیم» به‌وضوح شخص‌محوری را نفی کرده و انتقام را به یک «فرایند خودجوش و الهی» پیوند می‌زند. این نکته ظریف اما راهبردی است: مشروعیت و پایداری نهضت، وابسته به فرد خاصی نیست؛ بلکه در «منطق درونی حق» تعریف می‌شود.

د) ارتقای راهبرد انتقام و خونخواهی

مهم‌ترین بخش پیام: «انتقام» به مثابه یک راهبرد تمدنی، رهبر انقلاب می‌فرمایند: «عهد می‌بندیم که انتقام خون پاک شما و همه شهیدان این دو جنگ را از قاتلان جنایتکار بگیریم... این انتقام خواست ملت ماست و به طور حتمی باید صورت بگیرد... این جنایتکاران آرزوی مرگ آرام در بستر را با خود به گور خواهند برد... این امر متوقف بر وجود شخص من یا سایر مسئولان نیست... آحادی از آزادگان جهان این مأموریت الهی را انجام خواهند داد.»

نکات راهبردی مساله انتقام:

- الف) انتقام و خونخواهی حتمی بوده و بهیچ وجه مصلحت‌بردار و تعطیلی‌بردار نیست
- ب) در موضوع انتقام، حکومت هم در کنار مردم وظیفه دارد. لذا ضروری است که سران قوا و سایر مسئولان و مدیران و تمامی نهاد‌های حاکمیتی و مردم پایه، در خصوص امر به انتقام از سوی رهبر انقلاب، به نحو فوری لبیک گفته و شرایط و مقدمات آن را آماده نمایند.
- ج) مساله انتقام و خونخواهی غیر از آرمانهای انقلاب و انتقام راهبردی بلند مدت همچون اخراج آمریکا و آزادی قدس می‌باشد و این دو نباید با هم خلط گردد.
- د) از این به بعد قاتلین امام شهید هرگز احساس امنیت نخواهند کرد
- ه) خونخواهی ارتباطی با آمدوشد دولتها و اشخاص ندارد
- ی) بین‌المللی شدن مأموریت: رهبر انقلاب می‌فرمایند: «آزادگان جهان هر یک بخشی از این مأموریت الهی را انجام خواهند داد.» آزادی خواهان سراسر دنیا مخاطب این خونخواهی و انتقام هستند
- ی) با ذکر وجود فهرست قاتلین، یعنی خونخواهی وارد مرحله عملیات و تحقق شده است «فهرستی از صدر تا ذیل آنان موجود است.» این جمله از منظر نخبگانی اهمیت زیادی دارد. زیرا نشان می‌دهد موضوع صرفاً شعار نیست؛ بلکه دارای پشتوانه اطلاعاتی، حقوقی، امنیتی و مستندسازی است.

این یعنی ضرورت ایجاد پروژه‌های ملی درباره:

- بانک اطلاعات جنایات جنگی
- مستندسازی فرماندهان و آمران
- پرونده‌های حقوق بین‌الملل
- تحلیل زنجیره فرماندهی
- مسئولیت کیفری بین‌المللی

بخش سوم: دعا و استغاثه

«شما ای سرور عالی مقام! ای بزرگوار! ای امام رئوف! یا اباالحسن الرضا المرتضی که برترین صلوات خدا بر شما باد، اکنون جسم پاره پاره‌ی خادمی از خادمین حضرتتان و عترت طاهره، پس از سالها جدّ و جهد و مجاهدت بی‌وقفه به همراه ابدان شهدایی از خانواده‌اش که هر یک یادآور شهادت از شهدایان دشت کربلا است، در این خاک پاک می‌آرمند تا آن روزی که به امر الهی، خورشید عالم تاب، حضرت بقیه‌الله عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف، از پس ابرهای غیبت بیرون آید و بر مردمان کمره‌ی خاکی، نور رحمت الهی را بتاباند که در آن روز که امید داریم خیلی زود برسد، ستارگانی از میان صدیقین و شهدا و اولیاء، آن حضرت را همراهی خواهند کرد و امید داریم که آقای شهیدمان یکی از آنان باشد و بار دیگر صحنه‌هایی درخشان و ناب از مجاهدت و وفای به عهد آلت را به نمایش بگذارد و شاید این همراهان در آن روز هم او را همراهی کنند.

ای مولای رئوف! آقایمان که همه چیزش را در راه شما صرف کرد و همراهان شهیدش را به شما و لطف و عنایت جنابتان می‌سپاریم تا همچنان که در حیات دنیوی خود از لطف شما بهره‌مند بودند، از این پس هم همانطور و بلکه بسیار بالاتر و بیشتر از آن برخوردار باشند. در آخر، بار دیگر به سرورمان حضرت بقیه‌الله عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف تسلیت عرض میکنیم و از آن بزرگوار مهربان درخواست میکنیم که ادعیه‌ی زاکیه‌ی خود را متوجه آقای شهید ایران و همراهان شهیدش و همه شهدا بفرمایند و از حضرت حق جلّ و علا برای همه‌ی شهدایان علو درجات و برای بازماندگان ایشان صبر و اجر و برای ملت مظلوم ایران فتح و نصرت قطعی و قریب‌الوقوع طلب نمایند، ان شاءالله»

تحلیل محتوای این فراز، نشان‌دهنده‌ی لایه‌های عمیق اعتقادی، عاطفی و سیاسی آن است. این بخش از پیام متن را می‌توان در چند محور اصلی بررسی کرد:

۱. مناجات و دعا به محضر امام هشتم ثامن الحجج علیه السلام:

با نظر به اینکه امام شهید در جوار حرم مطهر امام هشتم مدفون شده است در این بخش رهبر انقلاب استغاثه‌ای به محضر امام هشتم انجام داده است.

۲. برشی دیگر از نحوه شهادت امام شهید: تعبیر به جسم پاره پاره نشان دهنده نحوه شهادت امام شهید پس از بمباران بیت می باشد

۳. جهان‌بینی مبتنی بر ظهور و رجعت: تمام روایت، به سمت نقطه‌ی اوج تاریخ (ظهور امام زمان) حرکت می‌کند. شهادت، نه تنها یک پایان، بلکه «مقدمه‌ای» برای همراهی در آن رستاخیزِ عدل‌گستر معرفی می‌شود. تعبیر شورانگیز

و حماسی رهبر انقلاب در این پیام، رجعت امام شهید در دوران ظهور است که در قالب دعا بیان شده است که زمینه ساز امید و انتظار مطلوب برای آینده ای پر افتخار می باشد و ضمناً داغ این مصیبت را اندکی التیام می بخشد

۴. معناشناسی شهادت (تشبیه به کربلا)

تحلیل بینامتنی: با اشاره به اینکه پیکر شهید و همراهانش، «یادآور شهیدان دشت کربلا»ست، نوعی «تاریخ‌سازی جدید» صورت می‌گیرد. شهادت امروز، نه یک رویداد سیاسی صرف، بلکه بازتولید حماسه‌ی عاشورا در بستری نوین ترسیم می‌شود.

۵. ساختار ادبی و عاطفی دعا

تغییر لحن از اخبار به مناجات: متن از بیان واقعه به سمت «تسلیت خطاب به امام زمان» و «طلب ادعیه» حرکت می‌کند. این تغییر لحن، نقش سیاسی رویداد را به سطحی کاملاً عرفانی و متعالی ارتقا می‌دهد. درخواست سه‌گانه: دعای پایانی برای شهدا (علو درجات)، بازماندگان (صبر و اجر) و ملت ایران (فتح و نصرت قریب‌الوقوع)، یک «برنامه‌ی آرمانی» را ترسیم می‌کند که در آن، خون شهید، ضامن پیروزی قطعی باقی‌ماندگان در جبهه‌ی حق است.

۶. کارکرد سیاسی پنهان در باطن عرفان

مشروعیت‌بخشی متعالی: با گره‌زدن این شهید خاص به اراده‌ی الهی و نظام امامت، هرگونه خوانش زمینی یا مذاکره‌ای از این رویداد، حذف می‌شود. وعده‌ی «نصرت قریب‌الوقوع»: این جمله، علاوه بر جنبه‌ی دعایی، حاوی یک «بیانیه‌ی استراتژیک» در شرایط حساس کنونی منطقه است و به مخاطب می‌فهماند که این مسیر، به سرانجام مطلوب قطعی خواهد رسید.

دلالت‌های سیاسی و راهبردی برای حوزه‌های علمیه:

۱. لزوم تبیین ابعاد فقهی، حقوقی و سیاسی انتقام و خونخواهی امام شهید
 ۲. لزوم مطالبه‌گری از حاکمیت و سران قوا و نهادهای مردم پایه در راستای تحقق خونخواهی و انتقام
 ۳. لزوم تبیین سیره و الگوی شخصیتی امام شهید مبتنی بر الگوی عاشورایی امام حسین ع (باتاکید بر عنصر مظلومیت در عین اقتدار)
 ۴. لزوم تبیین بعثت مردم بر اساس حرکت عاشورایی امام حسین علیه السلام
 ۵. لزوم تبیین ابعاد گوناگون ظهور و رجعت در شرایط و تحولات جدید
- لزوم تبیین و گفتمان‌سازی نسبت انقلاب اسلامی و حرکت اباعبدالله الحسین ع

۶. پشتیبانی و حمایت مستمر و همیشگی از عملیات انتقام و خونخواهی امام شهید در عرصه عینیت
۷. لزوم تبیین الهیات مقاومت براساس حرکت عاشورایی امام حسین ع: تدوین منظومه الهیاتی-کلامی «مقاومت» که آن را نه یک تاکتیک، بلکه «فریضه الهی» بر اساس «امر به معروف و نهی از منکر» تعریف کند.
۸. لزوم مردم‌گرایی راهبردی: بازطراحی برنامه‌های تبلیغی و تربیتی با محوریت «حضور مردمی» به جای «دیوان‌سالاری دینی»؛ الگوگیری از روش امام شهید در ارتباط بی‌واسطه با اقشار مختلف.
۹. لزوم مرجعیت یافتن بین‌المللی: ایجاد شبکه‌ای از مبلغان و نویسندگان برای ترجمه و انتشار گفتمان عاشورایی در جهان عرب و غرب، مبتنی بر مفاهیمی چون «عدالت» و «استکبارستیزی».

پژوهشکده مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت